

اعتقاد به تدبیر خداوند؛ مقدمه تقوا

یکی از تعابیر کلیدی در معارف دینی و صفات الهی، ربوبیت است. ربوبیت به معنای تدبیر و اداره امور جهان است و اینکه خداوند بزرگ هر لحظه دارد برای ما تدبیر می کند که آن هم به دو صورت است؛ اول تدبیر تکوینی، یعنی آنچه در جهان رخ می دهد و بر زندگی ما تأثیر می گذارد و دوم تدبیر تشریعی، یعنی امر و نهی هایی که از طریق پیامبران به ما رسانده است که عمل به آن ها انسان را تحت تدبیر تشریعی خداوند قرار می دهد که این همان تقوای عملی است، پس اعتقاد به ربوبیت الهی، مقدمه و زمینه تقوای عملی است. بسیاری از طاغوت ها و گردن کشان عالم، به خالقیت خداوند اعتقاد داشتند اما ربوبیت او را منکر می شدند و انکار ربوبیت الهی -که یکی از صفات مهم خداوندی است- موجب کفر ایشان می شد. اصولا هر جا که در آیات و روایات و ادعیه اهل بیت^(ع) کلمه رب را می بینیم، دلالت بر همین اصل مهم دینی دارد. این معنا در روایات و دعا هایی که از معصومین^(ع) نقل شده است، به صورت گسترده ای به چشم می خورد، از جمله در دعا های مختلفی که در جلد دوم اصول کافی نقل شده است، ضمن نیایش ها تعبیرات زیر دیده می شود: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ... رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ... رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ رَبَّ الْجَلِّ وَ الْحَرَامِ... رَبِّ الْفَلَاحِ وَ رَبِّ الصُّبْحِ... رَبَّ الْفَلَاحِ وَ الْوُجُهِ... رَبَّ الْمَشْتَضِعِّينَ... رَبَّ جِبْرِئِلَ وَ مِكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ رَبَّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ»، که این موضوع، دیگر اختصاصی به شیعه ندارد و بعضی از این تعبیرات در روایات اهل سنت نیز آمده است. باتوجه به این تعبیرات و به این ترتیب، هیچ گونه رب و پروردگاری برای آسمان و زمین، فرشتگان و نبیین، اغنیا و مستضعفین، صبح و شام و کعبه و مکه و عرش عظیم، جز خداوند قادر یکتا نیست. این جملات می خواهد به ما بگوید که اصولا هماهنگی امور جهان و انجام نظامات حاکم بر آن، دلیل روشنی بر وحدت مدبر است که به این موضوع در معارف ما «توحید ربوبی» می گویند. در حدیثی از امام صادق^(ع) می خوانیم که در پاسخ به مرد زندیق و بی ایمانی که از محضرشان درباره وحدانیت پروردگار سؤال کرد، فرمودند: «قُلْنَا رَأَيْنَا الْخَلْقَ مُنْتَظِمًا، وَالْفَلَکَ جَارِبًا، وَالاخْتِلَافَ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ، ذَلَّ صِغَهُ الْأَفَرِّ وَالْتَدَبَّرَ الْأَفَرُّ عَلَیْ أَنْ الْمَذَبَّرُ وَاجِدٌ، هُنْكَامِی کَه أَقْرِیْنِش رَا مِنْظَم مَشَاهِدِی مِی کَنِیم وَ افَلَک رَا دَر جَرِیَان، وَ آمَدُشُدْ شَب وَ رُوز وَ خُورْشِید وَ مَاه رَا طَبِیق بِرَنَامِه مِنْظَمِی مِی بِنِیم، اَیْن دَرَسْتِی قُرْمَان وَ تَدَبِیر وَ اَنْسَاجَام اُمُور، دَلِیل بِر اَیْن اَسْت کَه مَدَبِر وَ پَرُورْدْگَار فِقْط یَکِی اَسْت»، (توحید صدوق، صفحه ۲۴۴، باب ۳۶). اعتقاد به ربوبیت الهی به این معناست که تدبیر امور جهان و تدبیر امور ما و تربیت ما فقط به دست خداست، یعنی پروردگار عالم همان خالق عالم است. بسیاری از طواغیت همان طور که اشاره شد، درباره خالقیت الهی حرفی نداشتند اما منکر ربوبیت او بودند، حتی در تعبیر معروف فرعون باید دقت کرد. فرعون گفت: «أَنَا رَبُّکُمْ الْأَعْلَى، مَنْم پَرُورْدْگَار بَرْتَر شَمَا»، و نگفت: «أَنَا خَالِقُکُم الْأَعْلَى»، چون او خالقیت خدا را قبول داشت و خود را خالق نمی دانست، بلکه خود را صاحب اختیار مردم می دانست، البته خداوند واسطه هایی برای تدبیر جهان دارد که همان فرشتگان و انبیا و اولیا هستند اما این ها همه کارگزاران الهی اند و تنها به اذن او عمل می کنند و جز با اذن و اراده الهی عمل نمی کنند، پس تنها با اعتقاد واقعی به ربوبیت الهی، می توان بنده خدا شد و عبادت و عبودیت را به نهایت رساند که یوسف^(ع) به زندانیان مشرک گفت: «يَا صَاحِبِی السَّجْنِ أَزْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ...! الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»، ای دو رفیق زندانی ام! آیا رب های پراکنده بهترند یا خدای یگانه مقتدر؟ آرامش انسان هم وقتی است که به این تدبیر الهی ایمان داشته باشد و همیشه دست او را در کار بدارد و جلوه او را در امور مختلف ببیند و همین به او کمک می کند که اهل اطاعت پروردگار باشد و از گناهان فاصله بگیرد و اهل تقوای عملی شود. درواقع آنچه ما را به خدا وصل و رابطه مان را با او در عرصه زندگی و رفتار تنظیم می کند، همان تقواست. مشکل مهم مادر زندگی، احساس نکردن رابطه مان با خداوند است، یعنی همان وضعیتی که به آن اکثفا کنیم، به این باور که خدا ما را آفریده است و مالک آسمان و زمین است، درحالی که این اعتقاد کافی نیست و سرچشمه تقوای عملی، همین باور به ربوبیت ذات اقدس پروردگار است.

برگرفته از خطبه های نماز جمعه مشهد
تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بردار و بخوان

آیات کوثر

«کوثر» به معنی خیر کثیر و فراوان است و روشن ترین مصداق آن، وجود مبارک «حضرت زهرا^(ع)» است، چون طبق شأن نزول آیه یک سوره کوثر، نسل و ذریه پیامبر^(ص) از طریق دختر گرامی شان، حضرت فاطمه^(ع)، در جهان ادامه یافت و در بهشت آن ها، ائمه اطهار و علمای بزرگی بوده اند که با ایثار و فداکاری، در حفظ آیین اسلام کوشیده اند.

عالم طباطبایی منظور از کوثر افراوانی ذریه پیامبر^(ص) دانسته است؛ زیرا اظهاراوازه «ابتر» در آیه آخر سوره کوثر، به معنای بی نسل و تبار است و کوثر به معنای «فراوانی ذریه، با معنای «ابتر» سازگارتر است. محی الدین عربی، کوثر را هم به معنای نهری در بهشت که هر کسی از آن بنوشد هیچ گاه تشنه نخواهد شد، دانسته است و هم به معنای معرفت کثرت در پرتو وحدت و علم تفصیلی به توحید و شیوه وحدت در عین کثرت، خوانده است و پیامبر^(ص) را باقی به بقای حق و دشمنانشان را فانی و زوال پذیر و اهل ایمان را ذریه و خاندان حقیقی پیامبر^(ص) برشمرده است که به سبب وجود پیامبر، باقی و پایدار هستند. گفته شده است از نظر مفسران شیعه، مقصود از کوثر در سوره کوثر، حضرت زهرا^(ع) است؛ زیرا برخلاف اینکه عاص بن وائل، پیامبر^(ص) را «ابتر» (بی فرزند، کسی که نسل و ذریه ای ندارد) شمرده بود، خداوند از طریق فرزندشان، حضرت فاطمه^(ع)، ذریه و فرزندان بسیاری به ایشان بخشید. از حضرت فاطمه^(ع) سخنان چندی برای ما به جای مانده است که ایشان هم مجلس درس و بحث برگزار می کرده اند و هم در فعالیت های سیاسی و اجتماعی زمان خود، حضور انکارنشدنی و باثمری داشته اند. در کتاب «آیات کوثر»، نوشته محمدجواد مروچی طیبسی و ترجمه محمدحسین خوشنویس، این سخنان گردآوری شده و این اثر را نشر معارف، منتشر کرده است.

این کتاب درحقیقت حلقه مفقوده ای در میان کتاب هایی است که درباره حضرت فاطمه^(ع) نوشته شده است؛ زیرا با اینکه درباره زندگی نامه و فضایل و مناقب ایشان کتاب های بی شماری به چاپ رسیده است، کتابی مستقل درباره احادیث ایشان نوشته نشده و اگر کتابی هم نوشته شده است، بسیار مختصر است و تمام احادیث ایشان یک جا جمع آوری نشده است.

این معجم شامل احادیث حضرت فاطمه^(ع) منقول از پیامبر اکرم^(ص) و احادیثی است که مرد و زن صحابی یا اهل بیت^(ع) از حضرت فاطمه^(ع) یا واسطه ای بی واسطه روایت کرده اند که بیش از دویست حدیث می شود. اما احادیث حضرت فاطمه^(ع) از نبی مکرم^(ص) غالباً بدون واسطه و برخی به واسطه امیرمؤمنان، علی بن ابیطالب و یک حدیث نیز با واسطه بانو ام سلمه، همسر گرامی پیامبر^(ص)، منقول است. این کتاب را به دوستان اران حضرت فاطمه^(ع) پیشنهاد می کنیم.

بخشی از کتاب آیات کوثر

پیامبر اکرم^(ص) دخترش فاطمه^(ع) را در سن نه سالگی به عقد امیرمؤمنان علی^(ع) درآورد و نه سال هم طول مدت این زندگی مشترک بود. در این مدت او بزرگترین کمک برای حضرت بود و امیرمؤمنان^(ع) نیز او را بزرگترین نعمت خدا برای خود می دانست. حضرت فاطمه^(ع) به امام علی^(ع) بسیار احترام می گذاشت و در زهد و قناعت بی همتا بود. خانه علی و فاطمه علیهما السلام از جمله خانه هایی است که منسوب به خداست و جبرئیل چندین مرتبه به این خانه رفت و آمد داشت، هم در زمان حیات رسول خدا^(ص) و هم پس از آن. احادیث این فصل، همگی، درباره فضیلت مولی الموحدين^(ع) است.



شهریار
شاهارNEWS.IR
۲۴ مهر ۱۳۹۷
شماره ۲۰۵۸

۱۴



معارف

حجت الاسلام والمسلمین لیالی در گفت وگو با شهرآرا

حمایت از فلسطین، دفاع از مظلوم است



آئمه مستقیم^(ع) آنچه این روزها در فلسطین و نوار غزه می گذرد و جنایاتی که به مردم مظلوم این مناطق روا داشته می شود، بیش از هر زمان دیگری بر دفاع از فلسطینیان ضرورت می بخشد، دفاعی که صرفاً جنبه سیاسی و انسانی ندارد، بلکه باید ریشه های آن را در اصل ترین آموزه های دینی قرآنی جست و جو کرد؛ مسئله ای که در گفت وگو با حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی لیالی، استاد دروس خارج حوزه علمیه و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی، بررسی کرده ایم و کامل آن را در ادامه می خوانید.



امت واحد از پاره تن اسلام دفاع کند

علاوه بر ریشه های دینی، دفاع از مردم مظلوم فلسطین، دلایل تاریخی هم دارد، اگر تاریخچه شکل گیری رژیم جعلی صهیونیستی را بررسی کنیم، درمی یابیم که یهودیان از سراسر جهان برای حضور در قدس شریف و فلسطین، فراخوانده شدند و پس از حضور، بیت المقدس و قبله نخست مسلمانان را غصب کردند و رژیمی جعلی را تشکیل دادند، رژیمی که مایه اختلاف و نزاع در جامعه اسلامی و دشمن سرسخت مسلمانان است. همین مسئله ثابت می کند که امت واحد اسلامی باید از فلسطین که پاره تن اسلام است، دفاع کند.

حمایت از مظلوم

مسئله فلسطین و حمایت از مردم مظلوم این کشور و جریان مقاومت و نیز مقابله با رژیم صهیونیستی و جریان تسلط یهود و یهودیت صهیونیسم بر جهان اسلام، به بحثی مفصل نیاز دارد و از زوایای مختلف دینی، تاریخی و سیاسی، بررسی شدنی است. توجه به این ابعاد مختلف به ویژه در این روزها که شاهد درگیری جریان مقاومت و یهود صهیونیسم هستیم، اهمیت بیشتری می یابد تا بدانیم چرا باید همراه و حامی جریان مقاومت باشیم.



حجت الاسلام والمسلمین لیالی:

وقتی سخن از امت واحد اسلامی به میان می آید، مذهب و قوم و نژاد، رنگ می بازند و آنچه معنا می یابد، اخوت و همراهی و همدلی است. به ویژه وقتی این اخوت در دفاع از قبله نخست مسلمانان و اسلام باشد



نه، به شبهات

اگرچه دفاع از مردم مظلوم فلسطین و حمایت از جبهه مقاومت، ریشه دینی، تاریخی و سیاسی دارد، اما منافقان و همدستان صهیونیست ها، شبهاتی را در این باره مطرح می کنند، مثل آنکه می گویند چرا شیعیان باید از فلسطینیان که ناصبی (دشمن اهل بیت^(ع)) هستند، دفاع کنند یا آنکه افراد بسیاری در داخل نیازمند کمک هستند، چرا کمک های ما باید به فلسطین برود؟ در پاسخ به این شبهات، باید گفت وقتی سخن از امت واحد اسلامی به میان می آید، مذهب و قوم و نژاد، رنگ می یازد و آنچه معنای یابد، اخوت و همراهی و همدلی است؛ به ویژه وقتی این اخوت در دفاع از قبله نخست مسلمانان و اسلام باشد. علاوه بر این، فلسطینیان محب اهل بیت^(ع) هستند و بسیاری از مراکز و اماکن و مساجد آن ها مزین به نام مبارک ائمه^(ع) است. این شبهه و تفکر که منافقان و ضدانقلاب مطرح می کنند، مثل اینکه چرا به فلسطین کمک کنیم درحالی که خودمان مشکل داریم، اشتباه است. وظیفه جهان اسلام، کمک به مظلومان و محرومان و مسلمانان تحت ظلم است و قرآن مجید خلاف این رویه را نهی می کند.

وصیت امیرمؤمنان^(ع) درباره مظلومان

بنابر آنچه بیان شد، گفتمان قرآن و اسلام مبتنی بر حمایت از مظلوم و مظلومان است، امروز در جهان، ملتی مظلوم تر از فلسطینیان نداریم، مردمی که در طول تاریخ جریان مبارزه مقاومت و فلسطین با صهیونیست ها، تحت سخت ترین ظلم ها قرار داشته اند و طبیعتاً گفتمان دینی ما بر حمایت از آن ها تأکید می کند، چنان که امیرالمؤمنین امام علی^(ع) در نامه چهل و هفتم از نهج البلاغه و در وصیت به امام حسن^(ع) و امام حسین^(ع) پس از ضربت خوردن فرمودند: «کُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ غَوْنًا». این توصیه مربوط به همه ادوار تاریخ است تا دشمن ظالم و حامی و پناه مظلومان باشیم، لذا موضعی که امروز ما در مقابل فلسطین داریم، تجلی و عینیت عمل به همین وصیت است.

قرآن، به دفاع از مظلوم امر می کند

دومین عاملی که قرآن به واسطه آن به مسلمانان اجازه جنگ و جهاد می دهد، قرار گرفتن تحت ظلم و ستم است: «أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ يَأْتِيهِمْ ظُلُمًا (حج، ۳۹). علاوه بر این، آیات متعدد قرآن مجید بر دفاع از مظلومان و ستم دیدگان و مقابله با ظلم و جور ظالمان، تصریح و تأکید می کند، همچون آیه ۷۵ از سوره مبارک نسا که می فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَأَتَّاتِلُونَ فِي سَبِيلِ... وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ...» چرا در راه خدا و در راه (آزادی) جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک، جهاد نمی کنید؟، این ها همه وجهه دینی و قرآنی بودن دفاع از مردم مظلوم فلسطین را نشان می دهد. از دیگر دلایل دفاع از مردم مظلوم فلسطین، ریشه های اخلاقی انسانی است که آن هم به دین بازمی گردد، چون اساسا پیامبر گرامی اسلام^(ص) برای اخلاق مبعوث شده اند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»، لذا دفاع از زنان و کودکان بی گناه و مردم مظلومی که ده ها سال است تحت جنایاتی همچون شلیک بمب های فسفری قرار دارند، فارغ از اسلام و مسلمانی، عین اخلاق است، به عبارت دیگر، نمی توان انسان بود و خود را اخلاقی دانست، اما در برابر چنین جنایاتی بی توجه بود و از انسان هایی که تحت آن قرار دارند، دفاع و حمایت نکرد.

توصیه قرآن در برابر کارشکنی های یهود

مهم آنکه قرآن بر توجه به توطئه ها و کارشکنی های یهود علیه اسلام و مسلمانان و مقابله با آن ها به عنوان بزرگ ترین دشمن اسلام تأکید و توصیه می کند و بر دشمنی آن ها با مسلمانان، پیامبر^(ص) و حیات متعالی اسلام تأکید می کند: «لَتَجِدَنَّ أَشْدَّ الْأَنَاسِ عَدَاوَهُ لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...» هر آینه دشمن ترین مردم با مسلمانان، یهود و مشرکان را خواهی یافت... (مائده، ۸۲). قرآن بارها و بارها تأکید می کند که یهود بر لجاجت و انحراف و نفاق و تحریف آیات الهی بنا شده است و لذا مسلمانان را از توطئه های آن ها انذار می دهد و می فرماید: «يَهُودُ وَنَصَارَى تَبَعِيَتِ مُسْلِمَانِ مِنْ تَحْتِ الْإِسْلَامِ...» (بقره، ۱۲۰). این ها همه آموزه های قرآنی است که ما را به مراقبت مقابل توطئه های این جریان توصیه می کند.